



**ایران
ورجاوند**

مجله ایران‌شناسی | سال ۲۲ | شماره ۲ | بهار و تابستان ۱۳۹۸ | ۳۰۰۰۰ تومان

- ◆ سیمین قلعه دارآباد
- ◆ بازسازی سقف اتاق رنگین در باباجان
- ◆ پیکرنگاری میترا در ایران و آسیای میانه
- ◆ منشأ ظروف زرین فام در دوران صدر اسلام
- ◆ جغرافیای تاریخی شاهنامه در دوره ساسانیان
- ◆ بازبینی نیشابور؛ لایه‌نگاری و سفال‌های کهن‌دژ
- ◆ بررسی معماری اسلامی: چالش‌ها و چشم‌اندازها
- ◆ بررسی باستان‌شناختی و معرفی سد روستای قورمیش بوکان
- ◆ جلوه‌های یاریگری در میان مردمان تیره قلی‌وند ایل خزل ایلام: مطالعه موردی طایفه گدمه

ایران ورجاوند

ایران ورجاوند زنده است



مجله ایران شناسی

سال ۲ | شماره ۲ | بهار و تابستان ۱۳۹۸ |

شماره ثبت مجله: ۸۰۶۸۸ | شماره ثبت نشان: ۲۹۶۲۹۸ |

صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر: دکتر شاهین آریامنش |

مدیر داخلی: هوشنگ رستمی |

نشان مجله ایران ورجاوند برگرفته از گنجبری ساسانی یافت شده از تیسفون عراق مربوط به دوره ساسانی است. داستان این گنجبری به سال‌ها پیش بازمی‌گردد هنگامی که اسکار رویتر باستان‌شناس آلمانی همراه گروهش در سال ۱۹۲۹ میلادی در تیسفون در محدوده ساختمان بزرگی با نام معارید در حدود ۳ کیلومتری طاق کسری و ۱/۷۵ کیلومتری شمال دهکده سلمان پاک به کاوش‌های باستان‌شناسی پرداخت که در این کاوش‌ها از محلی که سپس تر خانه معارید ۶ نام گرفت شماری صفحه‌های گنجبری گرد به دست آورد که در میان آنها صفحه‌گردی با دو بال گشوده شده از روبه‌رو وجود داشت که این دو بال، نشانی به شکل هلال ماه را دربر گرفته‌اند. این گنجبری هم اکنون در موزه برلین آلمان نگهداری می‌شود.

تهران، صندوق پستی: ۵۶۹-۱۴۵۱۵

www.iranvarjavand.ir

Iranvarjavand@hotmail.com

۰۹۳۹۵۹۶۹۴۶۶



همه حقوق این اثر برای ایران ورجاوند محفوظ است.

تکثیر، انتشار، چاپ و بازنویسی این اثر یا بخشی از آن به هر شیوه همچون رونوشت، انتشار الکترونیکی، ضبط و ذخیره روی سی دی و چیزهایی از این دست بدون موافقت کتبی و قبلی مجله ایران ورجاوند ممنوع است و متخلفان بر پایه قانون «حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» تحت پیگرد قرار خواهند گرفت.

| با همکاری گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن |



”سیاهه“

مقاله

- ۴ بازسازی سقف اتاق رنگین در باباجان ارابرت کارل هنریکسون، ترجمه نیلوفر رضایی نراقی
- ۱۶ پیکرنگاری میترا در ایران و آسیای میانه افرانتس گرنه، ترجمه اشکان گرشاسبی
- ۲۶ بررسی باستان‌شناختی و معرفی سد روستای قورمیش بوکان اسماعیل سلیمی و منصور محمودنژاد
- ۴۶ جغرافیای تاریخی شاهنامه در دوره ساسانیان مهدی شریفیان، محمد وفایی بصیر
- ۶۵ بررسی معماری اسلامی: چالش‌ها و چشم‌اندازها ارابرت هیلن برنند، ترجمه حسین صبری
- ۸۵ منشأ ظروف زرین‌فام در دوران صدر اسلام اجی فریرمن، فرانک آسارو، هلن و. میشل، ترجمه افشین آریان‌پور
- ۱۰۱ جلوه‌های یاریگری در میان مردمان تیره قلی‌وند ایل خزل ایلام: مطالعه موردی طایفه گدومه اعلی نوراللهی
- ۱۳۵ سیمین قلعه دارآباد امحسن معصوم‌زادگان

پیشخوان

- ۱۴۶ بازبینی نیشابور؛ لایه‌نگاری و سفال‌های کهن‌دژ سعید باقی‌زاده

گزارش

- ۱۵۵ نکوداشت دکتر فیروز باقرزاده
- ۱۶۱ نکوداشت دکتر فخری دانشپور پرور انیلوفر احتشامی
- ۱۶۶ بازگشت ۱۷۸۳ گل‌نوشته هخامنشیان به ایران



پیکرنگاری میترا در ایران و آسیای میانه*

فرانتس گرنه

ترجمه اشکان گرشاسبی

کارشناس ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

از نسل ارشک هشتم و به سوی تو می‌آیم خدای من، تا مقابل تو زانو بزنم، آن‌گونه که در مقابل میترا زانو زدم» (دیوکاسیوس 62.5.2). در نقوش برجسته تنگ سروک^۳ (قابل مشاهده در: irani-ca.com) در الیمایی (قرن دوم میلادی)، خدای دارای پرتوهای نور که قبلاً به اشتباه هلیوس-میترا قلمداد شده بود، اکنون به آرتمیس-نانایا نسبت داده می‌شود.

جوان بدون ریش به سبک آپولونی، در تصاویر به دست آمده از کشورهای دیگر هم عصر با پادشاهی پارت، که دارای فرهنگ ایرانی هستند برجسته و بارز است. در قلمرو کوماژن^۴ در شمال رود فرات، ستون یادبود سلطنتی ساخته شده در زمان آنتیوخوس یکم (۶۲-۳۷ پ.م)، پادشاه را نشان می‌دهد که دستش را در دست «میترا-هلیوس-آپولو-هرمس» - که در کتیبه‌های یونانی

هیچ‌گونه پیکرنگاری شناخته شده‌ای از میترا در دوره هخامنشی وجود ندارد. بر سکه‌های پارتی، کماندار نشسته‌ای که همچون یک سوارکار پارتی لباس پوشیده، و اغلب در پشت سکه با ویژگی مشخص آپولو، یعنی کمانی در دست به تصویر کشیده شده، به عنوان میترا تعبیر شده است. اما شاید بهتر باشد که این تصویر یادبودی از اشک اول، نیای سلسله اشکانی در نظر گرفته شود. یک سکه ضرب شده در شوش، احتمالاً مربوط به زمان سلطنت اردوان دوم (۱۲۴-۱۲۸ پیش از میلاد)، نمونه متقاعدکننده‌تری از میترا را در ظاهر آپولو نشان می‌دهد (در این نمونه برهنه است و تیردانش را در دست دارد). پادشاه پارت در مقابل پیکره این خدای یونانی زانو زده است، صحنه‌ای که می‌تواند با تیرداد، شاه ارمنستان^۲ مقایسه شود، که خطاب به نرو می‌گوید: «من

* این مقاله برگردانی است از:

- Grenet, Franz. "Mithra ii. Iconography in Iran and Central Asia," *Encyclopædia Iranica*, online edition, 2016, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/mithra-2> iconography-in-iran-and-central-asia
- 2 Tiridates of Armenia
- 3 Tang-e Sarvak
- 4 Commagene



تصویر ۲



تصویر ۱

ترویج می‌کرد، میترا دوباره به صورت برجسته‌ای در زمان کانیسکا یکم (۱۲۷-۱۵۳ میلادی) ظاهر شد، که ابتدا به یونانی هلیوس، و سپس به بلخی مهر نامیده شد (صورت نوشتاری *Miuro, Miro, Miuro, Mirro* و...). او این جایگاه را در سکه‌های هویسکا^۳ (۹۱-۱۵۳ میلادی) نیز حفظ می‌کند. میترا روی سکه‌های این پادشاه هرگز در یک گردونه دیده نمی‌شود، بلکه ایستاده، همواره با هاله‌ای از پرتوهای نور، یک پوشش ایرانی (نیمتنه کوتاه، بالاپوش، چکمه) و ویژگی‌های یک جنگاور (یک شمشیر، و اغلب یک نیزه) به تصویر کشیده شده است. او معمولاً طوقی زرین (تصویر ۲) یا حلقه روبان‌داری در دست دارد، که هردوی آنها را می‌توان به عنوان نماد اعطای سلطنت یا شاید به صورت مشخص‌تر، فره شاهی (*xvarənah*) تعبیر کرد. در بعضی از انواع، او به جای آن حرکتی خوش‌یمن را (در یک مورد به سوی خدای ماه *Māh*)، صورت نوشتاری *Mao*) با دو انگشت افراشته اجرا می‌کند.

ضمیمه‌اش نام برده شده- قرار داده است. این خدا در پوشش ایرانی، با پرتوهای برآمده از کلاه بلند ایرانی‌اش به تصویر کشیده شده است (که بعدها به عنوان کلاهی فریژی در پیکرنگاری میتراس یونانی-رومی استفاده شده است). در قلمرو پادشاهی کوشان، میترا در میان خدایانی که اغلب بر روی مسکوکات به صورت یک خدای خورشید جوان به تصویر کشیده شده اند، دیده می‌شود. این نوع ابتدا بر روی سکه‌های سوتر میگاس^۱ ظاهر می‌شود (۷۰-۱۰۰ میلادی)، که در آن‌جا چهره نیم‌رخش جایگزین پادشاه شده است، انتخابی که شاید منعکس‌کننده عنوان سوتر میگاس «نجات‌بخش بزرگ» باشد، که همیشه به جای نام شخصی او مورد استفاده قرار می‌گرفت. در اینجا او برهنه و با دیهیمی بر سر و پرتوهای نور اطراف آن دیده می‌شود، که آشکارا از پیکره هلنی آپولو که پیکانی در دست دارد نسخه برداری شده است (تصویر ۱). پس از یک وقفه، در زمان حکومت ویما کادفیس^۲ که مکتب شیوایی را

1 Soter Megas
2 Vima Kadphises
3 Huviška



تصویر ۳



تصویر ۴

یک منبع یونانی دیگر برای شمایل نگاری میترا در قسمت شرقی ایران، زئوس است. در حقیقت نخستین تلاش‌ها برای تجسم بخشیدن به مفهوم میترا، مطابقت با الگوی زئوس است که روی سکه حاکمان یونانی متأخر بلخ و کاپیسا^۱ (منطقه کابل) نمایش داده شده است. این مجموعه با سکه‌های هلی اکل یکم^۲ (۱۳۰-۱۴۵ پ.م)، آغاز می‌شود، که در آن سر زئوس به پرتوهای نور آراسته شده است، ویژگی که برای زئوس معمول نیست و در موارد نادر، به منظور تشبیه او به یک خدای خورشید محلی مشاهده می‌شود. در دوره پادشاهان بعدی، این خدا بیش از پیش ظاهری ایرانی به خود می‌گیرد. بر سر خدای نشسته بر تخت، تاجی ظاهر می‌شود، و در نهایت بر سکه‌های برنزی آمینتاس و هرمانوس (پادشاهان کاپیسا، ۹۵-۷۰ پ.م). جزئیات مشخصی از جمله سر خم شده به جلو، و کلاه پادشاهی دارای پوشاننده گردن در پشت، و آویزهای کناری دیده می‌شود (تصویر ۳). چنین استدلال می‌شود، که شباهت زئوس به میترا (به جای اهورامزدا،

آن‌گونه که در کومازن می‌بینیم)، اشاره به این موضوع دارد که میترا، موقعیت بالایی در شاخه شرقی از کیش ایرانی به دست آورده است. اما شاید بتوان با احتیاط، آنرا تجسمی از اهورامزدا با ویژگی‌های انسانی قلمداد کرد (آن‌گونه که در دادستان دینپگ ۱۸، ۵-۱ گفته می‌شود او تنها از طریق نیروی خرد قابل درک است). علاوه بر این، برخی از خصوصیات ویژه زئوس، آمادگی یافتن تشابهاتی در مهریشت دارد، مانند: گرز صاعقه، و برتری پیروزمند (*vanainti uparatāt*)، که به عنوان پاداشی از سوی میترا در نظر گرفته شده است (یشت ۳۳/۱۰)، و آنرا می‌توان از تصویر الهه نیکه ایستاده بر دست زئوس، روی برخی از سکه‌های ذکر شده در بالا باز شناخت. انجام حرکت خوش یمن با انگشتان افراشته توسط او که بر روی برخی از سکه‌ها نقش زده شده است، پیوندی را با سبک آپولونی مورد توجه کوشانیان نشان می‌دهد.

پس از یک وقفه طولانی، میترای دارای ریش و به سبک ژوپیتری، دوباره بر سکه‌های

1 Kapisa
2 Heliocles I



تصویر ۵

نام و مفهومش از اوستا گرفته شده ((Vayuš uparō.kairyo [-] به معنی: وای که در بلندی‌ها فعال است) اما ظاهر و ویژگی‌های آن تا پیش از این، از ایزد شیوا وام‌گیری می‌شد. در عوض خدای تلفیقی جدید، چند ویژگی کهن و ویژه میترا را حفظ کرده است، مانند اشعه‌ها یا پرتوهای نور اطراف سر، و حتی یک دیهیم باقیمانده که مزین به یک هلال است (جزئیاتی که در برخی از نمونه‌های بسیار خوب ضرب شده در مرو و هرات قابل تشخیص است). در همین زمان، بالاتنه برهنه، وضعیت پاها و شکل تخت پادشاهی، تاثیر پایداری از یک تندیس یونانی را آشکار می‌کند و ممکن است نشان دهنده این امر باشد، که چنین تندیس‌هایی با ویژگی‌های افزوده شده، هنوز در معابد باختری در آن زمان وجود داشت؛ مقایسه شود با سکه کوشانی-ساسانی دیگری از همین دوره، که تصویر ایزدبانو آناهیتی

ضرب شده توسط اولین حاکمان دودمان جدید کوشانی- ساسانی در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم میلادی ظاهر شد. روی سکه طلای اردشیر و در اولین خط، خدایی که توسط کتیبه بلخی Bago Miuro خوانده می‌شود، روی تختی از نوع یونانی نشسته، و حلقه روبان‌داری در دست دارد. اما در ضرب‌های بعدی، گاهی همان خدا، نشسته بر تخت و با نیزه‌ای در دست دیده می‌شود و گاهی نیز با این ظاهر، مقابل یک آتشدان پدیدار می‌شود، و همیشه دارای لقب burz'awand yazad «ایزدی که بلندی‌ها را در تصرف دارد» است (در نسخه‌های فارسی میانه یا بلخی، تصویر ۴). این موضوع را می‌توان به عنوان تلاشی آگاهانه برای پیوند این وقفه به ایزدی هندوایرانی در نظر گرفت که تصویرش به‌طور گسترده بر مسکوکات کوشانیان در قرن سوم نقش می‌بندد: (Wēš Oēšo) که



تصویر ۷



تصویر ۶

هرمزد (۲۷۲-۲۷۳ م) دیده می‌شود. این ایزد که به وسیله پرتوهای اطراف سرش قابل شناسایی است، در حال اعطای حلقه شهریاری به پادشاه، در کنار یک آتشدان است.

سومین سبک شمایل‌نگاری، که مانند دو سبک دیگر از یونانیان به ارث برده شده، ارابه‌رانی است برگرفته از آپولو-هلیوس در ارابه‌اش، که در ایران پیش از دوره ساسانی دیده نمی‌شود، و هرگز روی سکه‌ها ضرب نشده است. هر چند طرح ترکیبی تمام‌رخ آن با اسب‌های متقارن، برای نخستین بار به همراه تصویری از خدای یونانی بر روی سکه‌های افلاطون^۱ (۱۴۵ پم)، پادشاه یونانی-بلخی ظاهر می‌شود. این سبک با درجات مختلف ساده‌سازی، زمینه پنج مهر شخصی را تشکیل می‌دهد، که بخش عمده پیکرنگاری ساسانیان از میترا است (فهرست به همراه ارجاعات در Grenet, 2003). اطراف سر همیشه دارای پرتوهای نور، و چهره به‌استثنای یک مورد، بدون ریش است. روی دو مهر اسب‌ها

روی آن، به‌روشنی از تندیس بر تخت نشسته آرتیمیس نسخه برداری شده است. Cribb, 1990: 183-84 (سکه شماره ۵).

تنها تصویر شناخته شده از میترا در هنر یادمانی ساسانیان، در نقش برجسته شاپور دوم در طاق بستان دیده می‌شود که خاطره پیروزی بر ژولیان مرتد در ۳۶۳ میلادی (تصویر ۵) را به تصویر می‌کشد، و مطابق با سبک ژوپیتری است. در اینجا میترا بر یک گل نیلوفر (لوتوس) ایستاده، که اخیراً به‌صورت متقاعدکننده‌ای نماد xvarənah (فره) دانسته شده که ساکن آب‌هاست (Soudavar, 2003: 53-54). او در حالی که حلقه روبان‌داری را از اورمزد می‌گیرد، و برسمی در دست دارد در پشت پادشاه دیده می‌شود (که توضیح می‌دهد چرا پارسیان به اشتباه این تصویر را زرتشت دانسته، و هنوز هم از آن به عنوان الگویی برای پرتره معمول زرتشت استفاده می‌کنند). غیر از این نمونه، تنها تصویر رسمی از میترا طی دوره ساسانیان، بر سکه‌های

1 Plato

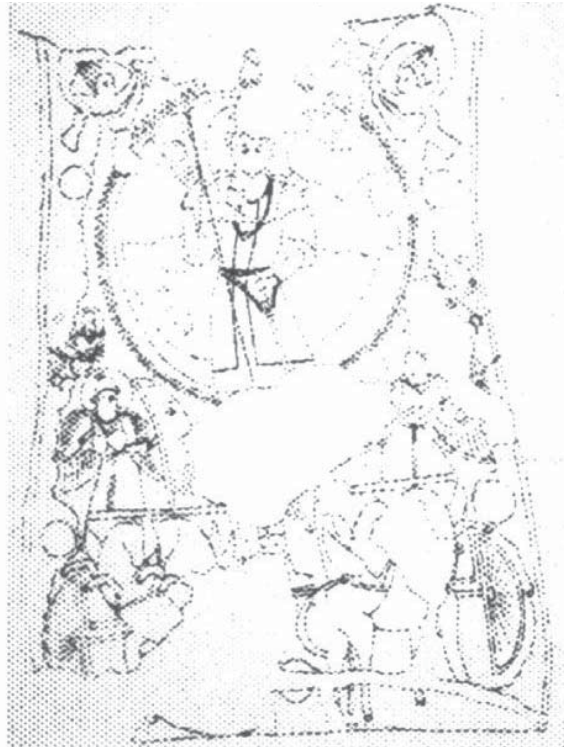
به دو عدد کاهش یافته‌اند (در یک مورد، کتیبه hu-mihrih ī pahlom «برترین مهرورزی» دیده می‌شود، که اشاره غیر مستقیم به میترا دارد، تصویر ۶) روی نمونه دیگر تنها ارابه باقی می‌ماند (به همراه نقاب یک شیر شاخدار)، و در یک مورد نیز تنها یک نیم‌تنه دارای پرتوهای نور دیده می‌شود (با کتیبه صریح Mihr yazad). نمونه پنجم در ادامه مورد بحث قرار خواهد گرفت.

یک طرح ترسیمی از میترای نشسته بر گردونه خورشید را، می‌توان در چندین تصویر به دست آمده از محوطه‌های سغدی پنجکنت^۱ (تصویر ۷)، و شهرستان^۲ در اسروشنه^۳ متعلق به اواخر قرن هشتم میلادی شناسایی کرد. در بعضی از این تصویرها، گردونه که در آن زمان در آسیای میانه و ایران کنار گذاشته شده بود، با تختی جایگزین شده است که در مقابل دو اسب قرار دارد.

با وجود این، نمونه مذکور دقیق‌ترین سند از پیکرنگاری میترای ایرانی نیست که به دست ما رسیده است. این قطعه نقاشی، زمانی دیواره طاق بودای ۳۸ متری در بامیان^۴ را تزئین می‌کرد (که در سال ۱۹۹۹ توسط طالبان تخریب شد، اما عکس‌های دقیق و نگاره‌های گرافیکی از آن باقی مانده است، تصویر ۸). احتمالاً آنچه در نیمه قرن ششم اجرا شد، شامل هیچ عنصر بودایی قابل تشخیصی نیست، اما به نظر می‌رسد که ظهور هر روزه میترا را به گونه‌ای که در مهر یشت توصیف شده است، نشان می‌دهد. بلندی‌های کوه هرا^۵ به رنگ طلائی مایل به قرمز، چارچوب

و زمینه این قطعه را تشکیل می‌دهد. ایزد جوان روی گردونه‌اش ایستاده، که توسط چهار مرکب سفید کشیده می‌شود، و توسط پیکره بالدار هدایت می‌شود که به احتمال زیاد ایزد اشی است. در دو سوی گردونه دو پیکره مونث بالدار ایستاده: یکی به سمت چپ، که به وضوح از آتنا که گورگونینون^۶ (سر مدوسا) را در دست دارد الهام گرفته است، و دیگری پیکره یک کماندار به سمت راست است. آنها می‌توانند به ترتیب به عنوان ماه و خورشید تعبیر شوند (هرچند به نظر می‌رسد که آتنا تصویرش را به ایزدبانو اشتاد^۷ نیز داده است، که یکی از همراهان میترا است). همچنین Vāta (باد) که در مهریشت به آن نیز اشاره شده است، توسط دو پیکره در قسمت بالای تصویر، نمادپردازی شده است. دو شکل نیمه پرند و نیمه انسان، با ویژگی‌های روحانیان (پدام^۸) [پوششی برای دهان و بینی]، مشعل، و قاشق آیینی در کمر بند) که در حال پرواز در دو سوی میترا هستند و تفسیرشان دشوارتر است، و تعلقشان به پیکرنگاری زرتشتی-سغدی با کشفیات اخیر (استودان‌های مربوط به سمرقند، و یادمان‌های تدفینی سغدی ساکن در شمال چین) اثبات شده است. اخیراً آنها را خروس سروش می‌دانند، که تجلی ایزد سروش در متون آیینی یسنا است (P. O. Skjærvø apud Grenet, Riboud, and Yang Junkai 2004: 278-79). وجود این پیکرنگاری به کلی میتراپی در چنین جایگاهی، اهمیت این آیین در منطقه را منعکس

- 1 Panjikent
- 2 Šahrestān
- 3 Ustrušana
- 4 Bāmīan
- 5 Harā
- 6 Gorgoneion
- 7 Arštāt
- 8 Padām



تصویر ۸

ایزد، به طور کامل با پرتوهای کنگره‌دار نسبتاً منظم احاطه شده، اما در اینجا او مستقیماً در حال ظهور از کوه هرا نشان داده شده است، که به صورت مثلی متشکل از صخره‌های گرد دیده می‌شود (تصویری که به نوبه خود، برخی پیکره‌های میترا را در میترایسم غربی^۱ به ذهن متواتر می‌کند) (مقایسه شود با میترای دوراروپوس و سن کلمنت^۲ در رم). انعکاس آثار بامیان، در نقاشی‌های غار بودایی در Kiriš-Simsin در نزدیکی کوچا^۳ (گردونه، حلقه‌های باد، زمینه کوه‌ها)، و غار ۲۸۵ (Pelliot 120) در دان هوانگ^۴ (ارابه، نور ماه به سبک آتنا) مشهود است.

- 1 Mithra petrogenus
- 2 San Clemente
- 3 kucha
- 4 Dunhuang

می‌کند و بی‌تردید گواه این واقعیت است که منطقه بامیان، نقطه کانونی و مرکزی مهریشت بود (مفهومی که هنوز در ادبیات پهلوی وجود دارد. بنگرید: G.Bd. 21A.11.17).

آثار بامیان با وجود ساخته شدن در یک دوره نسبتاً متأخر، در بردارنده برخی از ویژگی‌های کهن هستند، که حاکی از یک سنت قدیم‌تر پیکرنگاری است. این فرضیه با وجود متون مختصر بر مهرهای بخش شرقی حکومت ساسانی از اواخر قرن ۴ و ۵ میلادی تأیید می‌شود، که اکنون در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود (نخستین بار در Callieri, 1990 منتشر شد، تصویر ۹). نیم‌تنه



تصویر ۹

دارد نشسته است، با شمشیری در میان پاهایش که با شمشیر میترا مطابقت دارد. این ارتباط، توسط نقاب یک شیر شاخدار در بالای بخش‌های بال مانند تاجش تأیید می‌شود. دسته‌ای از نمادهای حیوانی نیز بر روی بعضی از مهرهای ساسانی یافت شدند که به نظر می‌رسد اشاره به ورود خورشید به برج حمل داشته باشد، هنگامی که عید خورشید برگزار می‌شد (Biruni, *Ātār*, al-Bākiya, tr. M. A. Sal'e, Abu-reikhan Biruni. *Izbrannye proizvedeniya I*, Tashkent, 1957: 236-38). هشت سر حیوان بیرون آمده از هاله او را می‌توان به عنوان نمادهایی از مسیرهای فضا قلمداد کرد (به جای سیارات، که در Grenet, 1995 آمده). باوجوداین، منابع باختری از این

نقاشی‌های مذکور شهرستان در اسروشنه، تنها مثال باقی مانده از میترای ایرانی ارائه می‌دهد که در نبردی مقابل دیوان شرکت می‌کند. هیچ شباهت قابل شناسایی در جزئیات این تصویر با نبرد آخرت بر علیه دیو خشم (Aēšma)، که در آن بنا بر زند و همن یسن (۷-۳۴)، میترا چند تن از ایزدان یا همراهان مقدسش را رهبری می‌کند، وجود ندارد. در مقابل به نظر می‌رسد میترای شهرستان، تابع نانا الهه بلندپایه معابد سغدی باشد. با وجود نقشی که میترا در داوری مردگان دارد، هیچ تصویر مشخصی از او در استودان‌های سغدی وجود ندارد، و خدای پس از نانا در صحنه سوگواری در معبد شماره ۲ پنجکنت او نیست (Azarpay, 1981: 141) بلکه احتمالاً ژیمات^۱ (Grenet and Marshak, 1998: 8-9) است. در نقش برجسته روی تابوت سنگی یو هانگ، متعلق به یک ایرانی یا شخصی از آسیای مرکزی و از کشوری نامشخص که در ۵۹۳ میلادی در چین درگذشت، خدای سواره‌ای که یک اسب مراسم قربانی را مشاهده می‌کند احتمالاً میترا است (Marshak, 2001, pp. 254-56، تصویر ۱۰).

سبک آسیای مرکزی میترا به صورت یک اراه‌ران، تاثیر عمیقی بر پیکرنگاری هندی ایزد سوریا^۲ از جمله پوشش او گذاشت. از سوی دیگر، تحولات تلفیقی با آیین هندو یا آیین‌های بومی، که پیش از این با *burz'awand yazad* کوشانی-ساسانی تأیید شده بود، در بلخ و مناطق مجاور ادامه یافت. گواه اصلی آن نقاشی غار منطقه دختر نوشیروان^۳ در شمال بامیان است، که احتمالاً به قرن هفتم باز می‌گردد (تصویر ۱۱): ایزد بر یک تخت شاهی که در مقابل دو اسب قرار

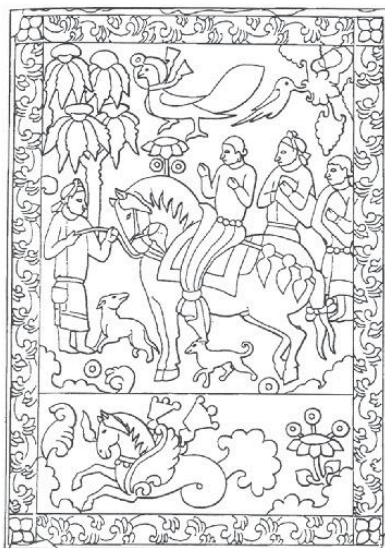
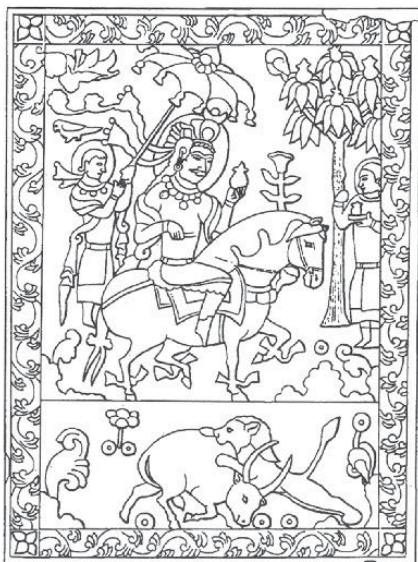
1 Žimat

2 Sūrya

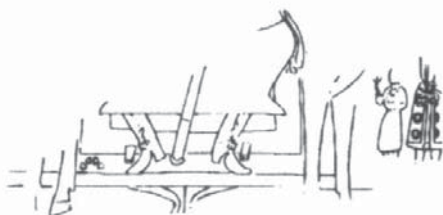
3 Doḡtar-e Nošervān

در دختر نوشیروان، ویژگی‌هایی که در گذشته برای میترا به کار رفته بود، مجدداً برای یک چهره دینی فراگیرتر مورد استفاده قرار گرفته است.

دره، اشاره می‌کند که خدای برتر محلی، Žun (زروان؟) بوده که اهمیت منطقه‌ای آن در سراسر مرزهای هند و ایرانی، توسط سیاح چینی، خوان زانگ نیز تأیید شده است. بنابراین به نظر می‌رسد



تصویر ۱۰



تصویر ۱۱

- G. Azarpay, *Sogdian Painting. The Pictorial Epic in Oriental Art*, Berkeley, Los Angeles, and London, 1981.
- A. D. H. Bivar, "Mithraic Images of Bactria: Are They Related to Roman Mithraism?" in U. Bianchi, ed., *Mysteria Mithrae, Études Préliminaires aux Religions Orientales dans l'Empire Romain (EPRO) 80*, Leiden, 1979, pp. 741-50.
- Idem, *The Personalities of Mithra in Archaeology and Literature*, New York, 1998.
- M. Boyce and F. Grenet, *A History of Zoroastrianism*, vol. III: *Zoroastrianism under Macedonian and Roman rule*, Leiden, 1991, esp. pp. 38-39, 162-63, 331, 337-38, 346.
- P. Callieri, "On the Diffusion of the Mithra Images in Sasanian Iran. New evidence from a Seal in the British Museum," *East and West* 40, 1990, pp. 79-98.
- M. Carter, "A Numismatic Reconstruction of Kushano-Sasanian History," *American Numismatic Society Monographs and Notes* 30, 1985, pp. 215-81, pl. 47-52, esp. pp. 227-29, 242-44.
- J. Cribb, "Numismatic Evidence for Kushano-Sasanian Chronology," *Studia Iranica* 19, 1990, pp. 151-193, pl. I-VIII.
- R. Göbl, *System und Chronologie der Münzprägung des Kušānreiches*, Wien, 1984 (esp. pp. 42, 166-67, 172).
- F. Grenet, "Mithra au temple principal d'Ai Khanoum?" in P. Bernard and F. Grenet, ed., *Histoire et cultes de l'Asie centrale préislamique*, Paris, 1991, pp. 147-51, pl. LVIII-LX.
- Idem, "Bāmiyān and the Mihr Yašt," *Bulletin of the Asia Institute* 7, 1993 [1994], pp. 87-94.
- Idem, "Mithra et les planètes dans l'Hindukush central: essai d'interprétation de la peinture de Dokhtar-i Nōshirvān," in R. Gyselen, ed., *Au carrefour des religions. Mélanges offerts à Philippe Gignoux (Res Orientales, 7)*, Bures-sur-Yvette, 1995, pp. 105-19.
- Idem, "Mithra, dieu iranien: nouvelles données," *Topoi* 11, 2003, pp. 35-58.
- F. Grenet and B. Marshak, "Le mythe de Nana dans l'art de la Sogdiane," *Arts Asiatiques* 53, 1998, pp. 5-18.
- F. Grenet, P. Riboud, and Yang Junkai, "Zoroastrian Scenes on a Newly Discovered Sogdian Tomb in Xi'an, Northern China," *Studia Iranica* 33, 2004, pp. 273-84.
- A. von Le Coq, *Bilderatlas zur Kunst und Kulturgeschichte Mittel-Asiens*, Berlin, 1925 (repr., Graz, 1977), figs. 220-25.
- B. Marshak, "La thématique sogdienne dans l'art de la Chine de la seconde moitié du VIe siècle," *Comptes Rendus de l'Académie des Inscriptions & Belles-lettres*, 2001, pp. 227-64.
- R. Merkelbach, *Mithras, Königstein*, 1984.
- N. N. Negmatov, "Bozhestvennyĭ i demonicheskiĭ panteony Ustrushany i ikh indo-iranskĭe parallely" (The divine and demoniac pantheons of Ustrushana and their Indo-Iranian parallels), in V. M. Masson, ed., *Drevnie kul'tury Srednei Azii i Indii*, Leningrad, 1984, pp. 146-64.
- V. Shkoda, "K voprosu o kul'tovykh stsenakh v sogdiĭskoĭ zhivopisi" (On the question of cult scenes in Sogdian painting), *Soobshcheniya Gosudarstvennogo Ermitazha* 45, 1980, pp. 60-63.
- A. Soudavar, *The Aura of Kings*, Costa Mesa, 2003.

“Contents”

Article

A Reconstruction of the Painted Chamber Ceiling at BaBa Jan Robert C. Henrickson, Persian translated by Niloofar Rezaei Naraghi	4
Mithra ii. Iconography in Iran and Central Asia Franz Grenet, Persian translated by Ashkan Garshasbi	16
Investigation and Introduction of Dam, Village of Qormesh Bukan Esmail Salimi & Mansour Mahmood Nezhad	26
Historical Geography of Shahnameh in Sassanian Era Mehdi Sharifian & Mohammad Vafaei Basir	46
Studying Islamic Architecture: Challenges and Perspectives Robert Hillenbrand, Persian translated by Hosein Sabri	65
The Provenance of Early Islamic Lustre Wares Jay D. Frierman, Frank Asaro and Helen V. Michel, Persian translated by Afhsin Aryanpour	85
Succor among People of Gholivand Tribe in Ilam, Case Study: Gadmeh Tribe Ali Nourolahi	101
Simin Ghaleh (Castle) of Darabad Mohsen Masomzadeghan	135

Critique and Book Review

Review of Nishapur Revisited: Stratigraphy and Ceramics of the Qohandez Saeid Baghizadeh	146
--	-----

Reports

Memorandum of Dr Firouz Bagherzadeh	155
Memorandum of Dr Fakhri Daneshpour Parvar Niloofar Ehteshami	161
The return of 1783 Achaemenid Tablets to Persia	166



ایران ورجاوند

○ ○ ○ ○ ○
| Iran-e Varjavand (Glorious Persia) |
| Persian Journal Of Iranain Studies |
| Vol. 2, No.2, Spring & Summer 2019 |

Concessionaire, Manager in Charge
and Editor-in-chief:
| Dr Shahin Aryamanesh |
Managing Editor: **Houshang Rostami**

 Tehran, Iran, Post box: 14515-569
 www.iranvarjavand.ir
 Iranvarjavand@hotmail.com
 +98 9395969466

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced, stored in a retrieval system or transmitted in any form or by any means, electronic, mechanical, photocopying, recording or otherwise, without prior permission in writing, form the publisher.

With Contributions by
| Tisaphemes Archaeological Research Group |





Persian Journal of Iranian Studies | Vol. 2 | No. 2 | Spring & Summer 2019



ایران
ورجاوند

Iran-e Varjavand
(Glorious Persia)

- ◆ Simin Ghaleh (Castle) of Darabad
- ◆ The Provenance of Early Islamic Lustre Wares
- ◆ Mithra, Iconography in Iran and Central Asia
- ◆ Historical Geography of Shahnameh in Sassanian Era
- ◆ Studying Islamic Architecture: Challenges and Perspectives
- ◆ A Reconstruction of the Painted Chamber Ceiling at BaBa Jan
- ◆ Investigation and Introduction of Dam, Village of Qormesh Bukan
- ◆ Review of Nishapur Revisited: Stratigraphy and Ceramics of the Qohandez
- ◆ Succor among People of Gholivand Tribe in Ilam, Case Study: Gadmeh Tribe